

مؤلفه‌های شناختی سبک زندگی اقتصادی مطلوب

معصومه رضایی^۱، طاهره عبداللہی^۲

چکیده

اسلام، دین جامع، بهترین چشم‌انداز از سبک زندگی مطلوب را ترسیم کرده است. این سبک زندگی اسلامی که از قرآن و سیره اهل بیت علیہم السلام نشأت گرفته ویژگی مهمی به نام جامعیت دارد که برای تمام ابعاد اخلاقی، عبادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، فرهنگی، بهداشتی، علمی و... برنامه دارد. اقتصاد و تأمین معیشت یکی از ابعاد مهم زندگی است که اسلام براساس آن دستورات و آموزه‌هایی صادر کرده است. نوشتار حاضر با روش تحلیلی-توصیفی، مؤلفه‌های شناختی سبک زندگی اقتصادی مطلوب را بررسی می‌کند. باور به مؤلفه‌هایی مانند توحید، معاد باوری، تأثیر عوامل معنوی، اعتقاد به عدالت‌ورزی خداوند، رزاقیت خداوند، خلافت و جانشینی انسان در عرصه‌های اقتصادی، باور به مالکیت خداوند و حاکمیت ارزش‌های الهی از مهمترین مؤلفه‌های شناختی سبک زندگی اقتصادی است.

واژگان کلیدی: اقتصاد، سبک زندگی اقتصادی، مؤلفه‌های شناختی،

سیره اهل بیت علیہم السلام.

۱. مقدمه

موضوع سبک زندگی در جهان امروز و در میان جوامع انسانی امری بسیار مهم است. هر انسانی که در این جهان زندگی می‌کند، خواسته یا ناخواسته، نوعی سبک زندگی دارد که مجموعه‌ای از

^۱. دانش‌پژوه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: rezaee589@gmail.com

ORCID: 1390- 2915- 0003- 0000

^۲. دانش‌پژوه دکتری تفسیر تطبیقی، مربی گروه علمی- تربیتی علوم قرآن و حدیث، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی

العالمیه، قم، ایران.

Email: t_abdollahi@miu.ac.ir

ORCID: 0000- 0003- 3996- 7174

رفتارها و گفتارهای او در عرصه‌های مختلف زندگی است. تفاوت شناختی، تفسیری و شیوه نگاه به هستی، جهان، انسان، زندگی، اهداف و ارزش‌ها موجب می‌شود هر فردی اهداف، روش‌ها و رویه ویژه‌ای برای رسیدن به آنها در زندگی پیش گیرد. اسلام به‌عنوان دینی جامع، بهترین چشم‌انداز از سبک زندگی مطلوب را ترسیم کرده است. این سبک زندگی اسلامی که از قرآن و سیره اهل بیت علیهم‌السلام نشأت گرفته ویژگی مهمی به‌نام جامعیت داشته که برای تمام ابعاد اخلاقی، عبادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، فرهنگی، بهداشتی، علمی و... برنامه دارد.

یکی از ابعاد مهم زندگی که اسلام براساس آن دستورات و آموزه‌هایی صادر کرده اقتصاد و تأمین معیشت است. سبک زندگی اقتصادی مطلوب از نظر اسلام فراتر از لذت‌گرایی است که دنیای مدرن در آن غرق شده است؛ زیرا هدف از آفرینش و نوع نگاه متفاوت به انسان و جهان در هر دو سبک زندگی، متفاوت بوده و خدامحوری و حاکمیت ارزش‌های دینی دو معیار مهم این نوع سبک از زندگی است. هدف از نوشتار پیش‌رو، بررسی مهمترین مؤلفه‌های اعتقادی و انگیزشی از دیدگاه قرآن و روایات برای دستیابی به سبک زندگی اقتصادی مطلوب است.

۲. پیشینه

مباحث مرتبط به حوزه سبک زندگی اقتصادی اسلامی در کشور سابقه طولانی ندارد. هرچند پژوهش‌های مختلفی در مورد دیدگاه‌های اقتصادی اسلام انجام شده است، اما تحقیق مستقلی درباره مؤلفه‌های شناختی سبک زندگی اقتصادی اسلامی از منظر قرآن و حدیث صورت نگرفته است. برخی تحقیقات قرآنی با رویکرد اقتصادی عبارتند از: کتاب توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۲)؛ کار و تلاش در فرهنگ اسلامی (اسحاقی، ۱۳۸۹) و فرهنگ کار و تلاش در اسلام (رضا کریمی، سال ۱۳۸۹).

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. سبک زندگی در لغت و اصطلاح

در لغت مرکب از دو واژه سبک (طرز، نوع، روش) و زندگی است. (معین، ۱۳۷۱، ص ۱۸۱۸) در اصطلاح به معنای شیوه‌ای است که برانزده و متناسب پنداشته می‌شود به‌ویژه در رفتار اجتماعی یا نحوه عرضه یا شیوه مشخص و تعبیر در نوشتار و گفتار (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۲۰).

۲-۲. سبک زندگی اقتصادی

سبک زندگی اقتصادی به شیوه خاص تعاملات و رفتارهای اقتصادی یک فرد، گروه یا جامعه گفته می‌شود و به‌طور خاص به شیوه کسب درآمد، مصرف و توزیع درآمد مرتبط است. (ایرانلو و توکلی، ۱۳۹۵، ص ۴۵)

۲-۳. مؤلفه‌های شناختی

شناخت، مفهومی وسیع بوده که چندین واژه دیگر را که توصیف‌کننده عوامل مؤثر در هدایت رفتار است مانند نیازها، علایق، ارزش‌ها، گرایش‌ها، اشتیاق‌ها و مشوق‌ها را دربرمی‌گیرد. (گیج و برلاینر، ۱۳۷۴، ص ۴۷۰)

۳. مؤلفه‌های شناختی تأثیرگذار در سبک زندگی اقتصادی

۳-۱. باور به توحید

یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی اقتصادی مطلوب، باور به توحید است؛ یعنی انسان رفتارکننده در اعتقاد و بینش خود، باور به خدا داشته باشد و سبک زندگی اقتصادی خود را براساس توحیدمحوری پایه‌گذاری کند. در قرآن نیز به ویژگی‌های خداوند در مورد بینش و اعتقاد خدا باوری اشاره شده است. در سبک زندگی اقتصادی مطلوب در حوزه توحیدمحوری، دیدگاه قرآن این‌گونه معرفی شده است که خداوند متعال یگانه و بی‌همتاست: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ؛ دارای قدرت نامحدود» (توحید: ۱)؛ «أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ آیا نمی‌دانی که خدا بر هر

چیز قادر است و بهترین روزی دهنده است؟» (بقره: ۱۰۶)؛ «أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ؛ مگر تواز این امت خرج و مزد رسالت می خواهی؟ (هرگز!) مزدی که خدا به تو دهد (از هر چیز) بهتر است که خدا بهترین روزی دهنده و بلکه تنها روزی دهنده است» (مؤمنون: ۷۲)؛ «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ؛ همانا روزی بخشنده خلق تنها خداست که صاحب قوت و قدرت ابدی است» (ذاریات: ۵۸).

ذو القوه به اصل قدرت پروردگار اشاره می کند و متین به کمال قدرت او و هنگامی که با واژه رزاق که آن نیز صیغه مبالغه است همراه شود این حقیقت را ثابت می کند که خداوند در دادن روزی به بندگان نهایت توانایی و تسلط را دارد و در هر گوشه ای از این جهان پهناور، در اعماق دریاها، در میان دره ها، بر فراز کوه ها، در دل سنگ ها و در هر نقطه ای از کرات آسمانی باشند روزی لازم را به آنها می رساند و همگی بر سر خوان احسان جمع هستند، پس اگر آنها را آفریده نه به دلیل نیاز، بلکه به دلیل فیض و لطف بوده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۸۹/۲۲) فردی که در جهان شناسی خود سهمی برای محوریت توحید افعالی در تعیین مقدار ثروت و درآمد مشخص کرده است، پس از حصول آنها به آسانی، فرمان به انفاق برای خدا را پذیرفته و به آن عمل می کند. انفاق سبب می شود که رشد و توسعه اقتصادی از همان ابتدای پیدایش با عدالت اقتصادی همراه شده و زمینه هرگونه بحران اجتماعی از بین برود (هادوی نیا، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲). براساس اصل توحیدمحوری، خداوند محور خلقت است و همه چیز با یاری و کمک به او به هدف می رسد. اصالت از آن اوست و سایر موجودات فرع وجود او هستند. آدمی سرتاپا فقر و نیازمندی است و همه وجود او در اختیار خداوند است، پس باید همیشه خدا را در کارها اصل قرار داد و همه چیز را از او خواست (سالاری، ۱۳۹۱، ص ۵۷). ذکر این مطلب نیز لازم است که در کنار اعتقاد به خدامحوری، کسب رضایت خداوند در فعالیت های اقتصادی به صورت یک رفتار اقتصادی مورد توجه است و براساس نظام خدامحوری، فرد باید خدا را محور و اصل قرار دهد. بنابراین، مؤلفه نفی ارزش مندی اموال و اولاد نسبت به خداوند مطرح می شود.

۲-۳. توجه و باور به کسب رضایت خداوند

سخت‌کوشی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی چه در تولید و چه در مصرف و توزیع باید در راه خدا و برای خدا باشد. انجام فعالیت اقتصادی در راه خدا و برای خدا باعث می‌شود که تلاش برای کسب روزی حلال و طیب به نوعی عبادت تبدیل شود. (ایزانلو و توکلی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۹) در قرآن کریم شرط رضایت خداوند، پرداخت زکات در قالب رفتاری اقتصادی بیان شده است و می‌فرماید: «وَمَا آتَيْتُمْ مِّن رِّبَا لِيَرْبُؤَ فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ اللَّهِ وَ مَا آتَيْتُمْ مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ؛ آنچه به عنوان ربا می‌پردازید تا در اموال مردم فزونی یابد نزد خدا فزونی نخواهد یافت و آنچه را به عنوان زکات می‌پردازید و تنها رضای خدا را می‌طلبید (مایه برکت است و) کسانی که چنین می‌کنند دارای پاداش مضاعفند» (روم: ۳۹).

در این آیه، کسب رضایت خداوند مؤلفه انگیزشی بوده که انسان را برای انجام رفتار اقتصادی تحریک و تشویق می‌کند که انسان‌ها رفتارها را برای رضای خداوند متعال انجام دهند. پیروی از مخلوق اگر ملازم با نافرمانی خدا باشد هرگز جایز نیست. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ؛ اطاعت از موجودی در نافرمانی خداوند وجود ندارد» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴). امام رضا علیه السلام فرمود: «مَنْ أَرْضَى الْخَالِقَ لَمْ يُبَالِ بِسَخَطِ الْمَخْلُوقِ؛ کسی که به دنبال کسب خشنودی خدا باشد اهمیتی به ناخشنودی مخلوق نمی‌دهد» (کلینی، ۱۳۷۵، ۱/۱۳۸). حقیقتی که در روایات به آن اشاره شده و تجربه نیز آن را ثابت کرده این است که اگر کسی به دنبال کسب رضایت مردم باشد هیچ‌گاه به این هدف نخواهد رسید.

۳-۳. باور به ارزشمندی ایمان و عمل صالح نسبت به تمام امور

براساس این مؤلفه، خداوند متعال داشتن اموال و اولاد فراوان را ملاک ارزشمندی نمی‌داند و آنها را عامل بی‌نیازی و سعادت انسان‌ها نمی‌شمارد، چنان‌که می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا؛ داشتن مال و اولاد بی‌نیازکننده از حسابرسی روز قیامت نیست و تنها ایمان و عمل صالح ملاک ارزشمندی و سعادت‌مندی است» (آل عمران: ۱۱۶). براساس این آیه، داشتن مال و اولاد بی‌نیازکننده از حسابرسی روز قیامت نیست و تنها

ایمان و عمل صالحی که برای خداوند انجام شده باشد، ملاک ارزش مندی و سعادت است. در آیه دیگر به این مؤلفه در سبک زندگی اقتصادی اشاره شده است، اما چرا در آیه از امکانات مادی تنها اشاره به ثروت و فرزندان شده است؛ زیرا مهمترین سرمایه‌های مادی نیروی انسانی، فرزندان و دیگری سرمایه‌های اقتصادی است و بقیه امکانات مادی از این دو سرچشمه می‌گیرند.

قرآن با صراحت می‌گوید که امتیازهای مالی و قدرت جمعی به تنهایی نمی‌تواند در برابر خدا امتیازی محسوب شود و تکیه کردن بر آنها اشتباه است مگر هنگامی که در پرتو ایمان و نیت پاک در مسیرهای صحیح به کار گرفته شوند در غیر این صورت سرنوشت صاحبان آنها عذاب جاویدان خواهد بود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۵۹/۳) در آیات دیگر یاد خداوند مقدم شمره شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (منافقون: ۹). در این آیه به برتری یاد خدا نسبت به اموال و اولاد توصیه می‌شود. براساس مفاد این آیات، داشتن اموال و اولاد در دنیا و آخرت ملاک ارزش مندی نیست، بلکه کسب رضایت خداوند متعال ارزشمندتر است، پس ارزش منفی مال و فرزند، مربوط به دل‌بستگی‌های بیش‌ازحد است که مانع وصول به کمال مطلوب شده و انسان را از کارهای خوب بازداشته و به کارهای زشت وامی‌دارد. در روایت از معصوم آمده است: «حُبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ؛ دنیادوستی ریشه هر خطا و بدکاری است» (مجلسی، ۱۴۴۰، ۲۶۹/۶۷). ارزش مثبت آنها در سایه انگیزه الهی و رعایت موازین صحیح شرعی در تحصیل و مصرف آن و وسیله قرار دادن آنها برای تحصیل قرب و منزلت در پیشگاه خداست (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ۳۲۴/۲).

۳-۴. باور به رزاقیت خداوند

یکی دیگر از مؤلفه‌های اعتقادی در سبک زندگی اقتصادی، مؤلفه روزی‌دهنده بودن خداست. خداوند در قرآن می‌فرماید: «و این خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است»؛ «اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ؛ خداوند نسبت به بندگانش لطف دارد، هرکس را بخواهد روزی می‌دهد و او قوی و شکست‌ناپذیر است» (شوری: ۱۹). در اسلام این‌گونه نیست

که انسان برای تأمین معاش، روزی و استمرار حیات خود بتواند از هر وسیله‌ای بهره‌گیرد. باتوجه به تأکیدات فراوان قرآنی و روایات بی‌شمار ائمه معصومین علیهم‌السلام برطرف کردن نیازهای انسان باید از راه حلال و پاکیزه انجام شود. در آیه دیگر، خداوند برکت آسمان‌ها و زمین را به دست خود می‌داند: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم، ولی (آنها حق را) تکذیب کردند ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم و توسعه و تنگی روزی به دست خداست» (اعراف: ۹۶). «إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا؛ خداوند متعال خودش ضمانت روزی همه بندگان را کرده است» (اسراء: ۳۰). نیز می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةَ إِمْلَاقٍ نَّحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا؛ فرزندانان را از ترس فقر نکشید ما آنها و شما را روزی می‌دهیم مسلماً کشتن آنها گناه بزرگی است» (اسراء: ۳۱).

در روایتی زیبا از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمده است: «إِنَّ الرِّزْقَ لَا يَجْرُهُ حَرِيصٌ وَلَا يَصْرِفُهُ كَرَاهِيَةٌ كَارِهِ؛ رزق را حرص حریصان افزون نکند و تنفر و ممانعت افراد نقصان ندهد». این حدیث اشاره به این مطلب دارد که میزان کمی رزق برای هرکسی متفاوت است (مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۷/۶۸). در حدیثی از امام رضا علیه‌السلام آمده است: «إِذَا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ وَأَجْمَلٍ فِي الطَّلَبِ وَاحْتِصَابٍ فِي الْكَسْبِ وَإِعْلَامٍ أَنَّ الرِّزْقَ رِزْقَانِ فَرِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَرِزْقٌ يَطْلُبُكَ فَأَمَّا الَّذِي تَطْلُبُهُ فَاطْلُبْهُ مِنْ حَلَالٍ فَإِنَّ أَكْلَهُ حَلَالٌ إِنْ طَلَبْتَهُ فِي وَجْهِهِ وَإِلَّا أَكَلْتَهُ حَرَامًا وَهُوَ رِزْقُكَ لَا بُدَّ لَكَ مِنْ أَكْلِهِ؛ در طلب رزق تقوا پیشه کن، به اختصار راضی باش و در کسب مال دست پایین را بگیر و بدان که رزق دو نوع است رزقی که به دنبال توست و رزقی که تو به دنبال آن هستی، پس آن رزقی که تو به دنبال آن هستی از طریق حلال آن را دنبال کن که اگر از راه درست آن را طلب کرده باشی برایت حلال و الا اگر از راه حرام به دست آورده باشی، استفاده از آن حرام می‌باشد و آن رزق تو می‌باشد و حتماً تو از آن استفاده خواهی کرد» (نوری، ۱۴۰۸، ۲۷/۱۳). بنابراین، خدای متعال روزی همه جنبندگان را تضمین کرده است. انسان نباید نگران روزی خود باشد و به بهانه

کسب رزق و روزی نباید از تکالیف واجب دینی خود سرباز زند. امام علی علیه السلام می فرماید: «خداوند روزی شما را تضمین کرد و به انجام واجبات فرمان داده شده‌اید. پس طلب روزی تضمین شده، نباید برای شما بر اعمال واجب مقدم باشد» (فولادی و خاری، ۱۳۹۴، ص ۲۴۳).

۳-۵. معادباوری

یکی دیگر از مؤلفه‌های سبک زندگی اقتصادی، معادباوری است. معادباوری در بینش و اعتقاد رفتارکننده در سبک زندگی اقتصادی به این معناست که انسان فقط منافع دنیا را مدنظر قرار ندهد، بلکه به منافع و زندگی پس از مرگ هم اعتقاد داشته باشد. قرآن کریم با اینکه توصیه به استفاده از امکانات دنیایی دارد نفع آخرت و زندگی آخرت را برتر می‌داند و می‌فرماید: «وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا؛ ولیکن بهره‌ات را هم از (لذات و نعم حلال) دنیا فراموش مکن» (قصص: ۷۷). خداوند زندگی دنیا و امکانات دنیا و هم آخرت را مدنظر دارد. از دیدگاه قرآن، داشتن مال و فرزند زینت زندگی دنیا معرفی شده است، اما بالاتر از آن، کسب باقیات صالحات در عالم آخرت است چنان‌که در آیه شریفه می‌فرماید: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا؛ مال و فرزندان زیب و زینت حیات دنیاست و اعمال صالح که (تا قیامت) باقی است نزد پروردگار از نظر ثواب بهتر و از نظر امیدمندی نیکوتر است» (کهف: ۴۶). در این آیه براساس اعتقاد به مؤلفه معادباوری، باقیات الصالحات در عالم آخرت ارزشمندتر از داشتن مال و فرزند در دنیاست و ارزشی پایدار بوده و همواره مؤلفه مهمی در سبک زندگی اقتصادی مطلوب است. این آیه به دو عرصه اشاره دارد: مادیات دنیا؛ باقیات الصالحات. از دیدگاه قرآن دو نوع زندگی مطرح است: زندگی دنیا و زندگی آخرت (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۲۰). براساس بینش و اعتقاد به معاد، زندگی آخرت برتر از زندگی دنیاست: «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى؛ درحالی‌که آخرت بهتر و پایدارتر است» (اعلی: ۱۷). در روایات آمده است: «الدنيا مزرعة الآخرة؛ دنیا مزرعه آخرت است» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۳، ۲۶۷/۱). مال و امکانات اقتصادی و فرزندان، یکی از مقوله‌های مهم در سبک زندگی اقتصادی است و قرآن کریم، این دو و سایر امکانات اقتصادی را زینت دنیا و برای رسیدن به منافع آخرت نام برده است (کهف: ۴۶). قرآن کریم

محبت و داشتن امور و امکانات مادی مانند زنان و فرزندان و اموالی مانند طلا و نقره و اسب‌های ممتاز و عایدات زراعت و دامداری را سرمایه زندگی دنیا قرار داده است و براساس مؤلفه معادباوری، استفاده از اینها و سرانجام نیک و زندگی والا و جاویدان در آخرت برتر از همه اینهاست (آل عمران: ۱۴).

قرآن می‌فرماید: «مردم را حب شهوات نفسانی از میل به زن‌ها و فرزندان و همیان‌هایی از طلا و نقره و اسب‌های نشان‌دار نیکو و چهارپایان و مزارع در نظر زیبا و دل‌فریب است، (لیکن اینها متاع زندگانی (فانی) دنیاست و نزد خداست منزل بازگشت نیکو)» (آل عمران: ۱۴). در این آیات، مال و فرزند، زینت دنیا معرفی شده‌اند، اما آنچه برتر از اینهاست ارزش‌های پایدار باقیات الصالحات در نزد پروردگار است. براین اساس در سبک زندگی اقتصادی باید باقیات الصالحات بر زینت‌هایی مثل مال و فرزند برتری داده شود و به انگیزه کسب باقیات الصالحات رفتارهای اقتصادی در سبک زندگی اقتصادی انجام شود. براساس مؤلفه معادباوری، داشتن اینها باید در راستای هدف خلقت انسان که همان عبودیت و رسیدن به کمال است سرمایه‌گذاری یا مصرف شود چنان‌که خداوند متعال هدف خلقت انسان و جن را عبودیت می‌داند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و من جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا (به یکتایی) پرستش کنند» (ذاریات: ۵۶). اگر انسان در دنیا اهل ایمان و عمل صالح باشد در آخرت سعادت‌مند خواهد بود؛ چه متنعم باشد و چه مسکین. فقر و غنا تابع اسباب خاصی است که در این دنیا هم برای مؤمن حاصل می‌شود و هم برای کافر و هیچ‌یک موجب مقبولیت یا مبعوضیت نزد خدا نمی‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۶، ص ۲۴۰).

۳-۶. باور به تأثیر عوامل معنوی

یکی دیگر از مؤلفه‌های اعتقادی سبک زندگی اقتصادی باور به تأثیر عوامل معنوی در سبک زندگی اقتصادی است. تردیدی نیست که در کنار عوامل مادی، عوامل معنوی هستند که باعث رشد اقتصادی انسان در مسیر درست برای تحقق هدف می‌شود چنان‌که خداوند متعال در قرآن از عوامل معنوی متعددی در نزول برکات و افزایش رزق مادی نام برده است. در آیه شریفه

ایمان و تقوای الهی یکی از عوامل نزول برکات برشمرده شده است. «و از جایی که گمان نبرد به او روزی عطا کند و هرکه بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد کرد که خدا امرش را نافذ و روان می‌سازد و بر هر چیز قدر و اندازه‌ای مقرر داشته است (و به هیچ تدبیری سر از تقدیرش نتوان بیچید)» (طلاق: ۳). در این باره پیامبر خدا ﷺ فرمود: «هرکه یک سره به خدا بپیوندد، خداوند هر بار او را برعهده گیرد و از جایی که گمان ندارد روزی اش بخشد و هرکه به دنیا بپیوندد خدا وی را به دنیا واگذارد» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۲، ص ۵۷۹). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «من توصیه و سفارش می‌کنم تو را به تقوی و پرهیزگاری از خدا که خداوند قطعاً ضمانت فرمود، برای آن کس که تقوی داشته باشد که او را از مشکلات و ناراحتی نجات داده و به آنچه دوست می‌دارد، برساند و از جاهایی که گمان ندارد روزی بدهد با فریب و خدعه نمی‌توان بهشت را از خدا گرفت و فقط از راه اطاعت می‌توان عنایات او را جلب نمود ان شاء الله تعالی» (مجلسی، ۱۴۴۰، ۲۸۵/۶۷).

براساس این مضامین، توکل به خدا در همه امور به‌ویژه امور اقتصادی و معیشتی باعث امیدآفرینی، اعتماد به نفس و تلاش مضاعف فرد برای تأمین احتیاجات زندگی و رفع نیازهای مادی و اقتصادی می‌شود. علاوه بر این ایمان و تقوا باعث نزول برکات الهی می‌شود: «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم، ولی (آنها حق را) تکذیب کردند. ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم» (اعراف: ۹۶). شک نیست که در محیط مردم مؤمن و باتقوا توجه به معنویت و ارزش‌های الهی که افکار جامعه را به خود معطوف کرده است، عامل مؤثری در خودداری از احتکار و ذخیره مواد غذایی و ترجیح خود بر دیگران خواهد بود. به‌گونه‌ای که باعث می‌شود مردم قسمتی از مال خود را برای کمک در اختیار دیگران قرار دهند. این اراده قوی سبب می‌شود که سستی و تنبلی نتواند آن جامعه را متزلزل کند و همه با هم در اقتصاد جامعه و پویایی و رشد آن بکوشند (موسوی اصفهانی، ۱۳۶۸، ص ۱۷۰).

۳-۷. اعتقاد به عدالت اقتصادی خداوند

یکی از مؤلفه‌های سبک زندگی اقتصادی اعتقاد به عدالت‌ورزی خداوند در عرصه‌های اقتصادی است. از دیدگاه شهید مطهری در قرآن از بحث توحید و خداباوری تا معاد و از نبوت تا امامت و زعامت و از آرمان‌های فردی تا هدف‌های اجتماعی همه بر محور عدل استوار است. (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۶۱) به گواهی قرآن هدف اساسی همه انبیا به ویژه اسلام، اجرای عدالت بوده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵). در اینجا هدف همه انبیا اجرای عدالت از جمله در همه فعالیت‌ها و عرصه‌های اقتصادی است. عدالت اقتصادی خداوند می‌تواند نمودهای مختلفی داشته باشد از جمله در رساندن رزق و روزی به همه بندگان مناسب با نیازهای آنها و احکام اقتصادی مانند خمس و زکات برای برچیدن فقر از جامعه.

«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يُعْطِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»؛ خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند. خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید». (نحل: ۹۰) خداوند در این آیه انسان‌ها را به عدل، احسان و انفاق سفارش کرده است. براین اساس در سبک زندگی اقتصادی باید به عدل و احسان اهتمام داشت تا عدالت اقتصادی در جامعه برقرار شود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ»؛ ما معیشت آنها را در حیات دنیا میانشان تقسیم کردیم و بعضی را بر بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را مسخر [و با هم تعاون] کنند و رحمت پروردگار از تمام آنچه جمع‌آوری می‌کنند، بهتر است» (زخرف: ۳۲). امام علی علیه السلام با تمسک به این آیه می‌فرماید: «چون خداوند متعال براساس حکمت خود بین همت‌ها و اراده‌های مردم و حالات دیگرشان تفاوت گذاشت و این تفاوت‌ها را سبب برپایی زندگی مردم قرار داد. با تفاوت گذاشتن بین همت‌های مردم، تدبیرش را استحکام بخشید»

(حرعاملی، ۱۳۷۱، ۳/۱۹). امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ فِي أَمْوَالِهِمْ بِقَدْرِ مَا يَكْفِي فُقَرَاءَهُمْ فَإِنْ جَاءُوا وَعَزُّوا جَاهِدُوا فِي مَنَعِ الْأَغْنِيَاءِ فَحَقَّقَ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُحَاسِبَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيُعَذِّبَهُمْ عَلَيْهِ؛ خداوند بر ثروتمندان واجب کرده است تا از اموالشان به اندازه کفایت فقیران هزینه کنند. اگر نیازمندان گرسنه یا عریان باشند به سبب منع ثروتمندان است و خداوند از آنان در روز قیامت حساب می‌کشد و مجازات می‌کند» (مجلسی، ۱۴۴۰، ۲۸/۹۳). این روایت بیانگر این نکته است که هزینه معاش نیازمندان باید از سوی دولت اسلامی و ثروتمندان تأمین شود و اگر این دسته به تأمین معاش آنها اقدام نکنند مورد محاسبه و مجازات قرار می‌گیرند و این در راستای عدالت‌ورزی خداوند و برپایی عدالت اقتصادی در سبک زندگی اقتصادی است.

۳-۸. باور به خلافت و جانشینی انسان در عرصه‌های اقتصادی

اعتقاد به خلافت و جانشینی انسان از خداوند در عرصه‌های اقتصادی یکی از مؤلفه‌های اعتقادی در عرصه سبک زندگی اقتصادی است چنان‌که خداوند در قرآن، انسان‌ها را جانشین خود در زمین معرفی کرده و می‌فرماید: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در روی زمین، جانشینی قرار خواهم داد. فرشتگان گفتند: پروردگارا! آیا کسی را در آن قرار می‌دهی که فساد و خون‌ریزی کند. ما تسبیح و حمد تو را به جا می‌آوریم و تو را تقدیس می‌کنیم. پروردگار فرمود: من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید» (بقره: ۳۰).

در آیه دیگر برخی انبیا مانند حضرت داوود علیه السلام را خلیفه و جانشین خود در زمین معرفی کرده و معیار جانشین و خلافت خود را داوری کردن به حق و دوری از هوای نفس می‌داند. براساس این آیه، انسان در سبک زندگی اقتصادی باید معیارهای تقوای اقتصادی و کسب رضایت خداوند را در جانشینی از خداوند مدنظر قرار دهد و همچنین در راستای این جانشینی، خداوند متعال براساس آیه شریفه، جانشینی در آبادانی زمین و عرصه‌های اقتصادی را برای انسان قرار داده و می‌فرماید: «وَإِلَى تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ

مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ؛ و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را گفت: ای قوم من! خدا را پرستش کنید که معبودی جز او برای شما نیست. اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما وا گذاشت. از او آموزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید که پروردگارم نزدیک و اجابت کننده است» (هود: ۶۱). براساس این آیه، خداوند با تعبیر: «وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» آبادانی زمین و فعالیت های اقتصادی مطلوب را از انسان ها خواسته است. مفهوم و ماهیت جانشینی انسان ایجاب می کند که جانشین وظایف خود را نسبت به آنچه به عهده اوست به خوبی انجام دهد. خداوند در این زمینه می فرماید: «آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ فِيهِ ۖ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ؛ (الا ای بندگان) به خدا و رسول او ایمان آرید و از آنچه شما را در آن وارث گذشتگان گردانید (به راه خدا) انفاق کنید، پس بر آنان که از شما ایمان آوردند و انفاق کردند پاداش بزرگ (بهشت ابد) خواهد بود» (حدید: ۷). براساس این آیه، انسان باتوجه به جانشینی خود از خداوند در عرصه اقتصادی باید انفاق اقتصادی را انجام دهد و از مال خود برای رفع نیاز نیازمندان استفاده کند.

قرآن انسان را خلیفه و نماینده خدا در روی زمین معرفی کرده است. این تعبیر با روشن کردن مقام بشر، این حقیقت را بیان می کند که اموال، ثروت ها و استعدادها و تمام مواهبی که خدا به انسان داده است مالک اصلی اش اوست و انسان تنها نماینده و مجاز و مأذون از طرف اوست و بدیهی است که هر نماینده ای در تصرفات خود استقلال ندارد، بلکه باید تصرفاتش در حدود اجازه و اذن صاحب اصلی باشد. مالکیت اعتباری انسان در عرصه اقتصادی ایجاب می کند که ثروت ها در جامعه اسلامی عادلانه توزیع و سرمایه گذاری شود. همچنین مالک نشدن و اختیار نداشتن دولت نسبت به ثروت های طبیعی موجب می شود که افراد در تصرف و تصاحب آنها خودسرانه عمل کنند و جامعه به هرج و مرج کشیده شود و بحران اقتصادی به وجود آید. براین اساس قرآن کریم انفال و ثروت های طبیعی را به خدا و رسول متعلق می داند

که افراد و دولت اسلامی در سبک زندگی اقتصادی برای سرمایه‌گذاری و استفاده از آنها تقوای الهی را پیشه کنند و برای به‌سامان رساندن اقتصاد جامعه از آن استفاده کنند.

۳-۹. باور به مسئولیت مالی انسان نسبت به نیازمندان

یکی دیگر از مؤلفه‌های اعتقادی در سبک زندگی اقتصادی، اعتقاد به مسئولیت مالی انسان نسبت به نیازمندان است. قرآن در این زمینه انسان‌ها را موظف کرده که نسبت به نیازمندان وظیفه و مسئولیت داشته و برای رفع نیازهای مالی آنها تلاش کند چنان‌که می‌فرماید: «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ؛ و در اموال آنها حقی برای سائل و محروم بود» (ذاریات: ۱۹). قرآن انسان‌ها را به پرداخت‌های واجبی مثل خمس و زکات و کفارات نسبت به نیازمندان موظف کرده است: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ؛ بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای ذی‌القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی حق از باطل، روز درگیری دو گروه (باایمان و بی‌ایمان) [روز جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده‌اید و همچنین پرداخت‌های مستحبی مثل انفاق به معنای عام و صدقات را در این زمینه توصیه کرده است» (انفال: ۴۱). همچنین در مورد زکات در آیه شریفه می‌فرماید: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ؛ و نماز را به پا دارید و زکات را بپردازید و همراه رکوع‌کنندگان رکوع کنید (و نماز را با جماعت بگزارید)» (بقره: ۴۳).

در آیه دیگر می‌فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيْهِمْ؛ تواز اموال مؤمنان صدقات را دریافت دار که بدان صدقات نفوس آنها را پاک و پاکیزه می‌سازی و رشد و برکت می‌دهی و آنها را به دعای خیر یاد کن». (توبه: ۱۰۳) در این آیه خداوند از پیامبر می‌خواهد که از اموال مردم زکات بگیرد آن را برای رفع نیاز نیازمندان در جامعه هزینه کند. از مجموع این آیات مؤلفه مسئولیت مالی انسان نسبت به نیازمندان برداشت می‌شود.

۳-۱۰. باور به مالکیت خداوند

یکی دیگر از مؤلفه‌های اعتقادی سبک زندگی اقتصادی، اعتقاد به مالکیت خداوند است. مالکیت از موضوعات مهمی است که از گذشته دور فکر انسان را به‌ویژه در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی و اقتصادی به خود مشغول کرده است. مکتب اقتصادی اسلام براساس جهان بینی خود تأثیر خاصی از مالکیت و ثروت‌های متعلق به آن ارائه می‌کند که در سبک زندگی اقتصادی می‌تواند مدنظر باشد. (کرمی و پورمند، ۱۳۹۸، ص ۳۵) از دیدگاه قرآن، خداوند مالک حقیقی جهان است. ثروت‌های موجود در آن به نفع نوع بشر و برای همگان آفریده شده است تا از آنها در زندگی سبک زندگی اقتصادی بهره بگیرند. در آیات، مکرر این واقعیت آمده که خداوند زمین، معادن، دریاها، کوه‌ها، خورشید و ستارگان را برای بشر مسخر کرده است: «آنچه در آسمان‌ها و زمین است همه ملک خداست و اگر آنچه در دل دارید آشکار و یا مخفی کنید همه را خدا در محاسبه شما خواهد آورد، آن‌گاه هرکه را خواهد بخشید و هرکه را خواهد عذاب کند و خدا بر هر چیز تواناست» (بقره: ۲۸۴). قرآن کریم برای تأمین منافع بشر و برای آنکه بتوان از ثروت‌ها بهتر استفاده کرد و آنها را رشد و افزایش داد مالکیت خصوصی افراد را بر دستاوردهای خود و نتایج فعالیت‌های خود پذیرفته و محترم شمرده است تا زمانی که فرد به مسئولیت‌های خود در حفظ و نگهداری و استفاده مشروع و به‌جا اقدام کند و به آن و برای مصالح جامعه به کار ببرد کسی حق دخالت در حال او را ندارد و احترام حال مسلمان مانند حرمت خون او باید محفوظ بماند. براساس آیه ۱۸۸ سوره بقره مؤلفه مالکیت خداوند به واسطه جانشینی انسان‌ها در عرصه‌های اقتصادی به انسان‌ها منتقل می‌شود. براین اساس، در سبک زندگی اقتصادی، مالکیت خصوصی افراد محترم است و در تصرف اموال دیگران این مالکیت باید مراعات شود.

۳-۱۱. باور به حاکمیت ارزش‌های الهی

یکی دیگر از مؤلفه‌های اعتقادی در سبک زندگی اقتصادی، مؤلفه اعتقاد به حاکمیت ارزش‌های الهی است. اعتقاد به ارزش‌های الهی در عرصه‌های اقتصادی ایجاب می‌کند که انسان به ارزش‌های اخلاقی در عرصه اقتصادی ایمان و اعتقاد داشته باشد. براساس این

مؤلفه، انسان در فعالیت های اقتصادی باید این ارزش ها را مدنظر قرار دهد و در راستای رسیدن به آنها حرکت کند.

۳-۱۱-۱. ارزش مندی پرداخت های واجب

در نظام اقتصاد اسلامی، خمس و زکات (مالیات های اسلامی) برای بالا بردن سطح رفاه نیازمندان، توازن اقتصادی و برقراری عدالت اجتماعی وضع شده اند. از نظر فقه اسلام، خمس و زکات مهمترین مالیات های اسلامی هستند. جایگاه منابع مالی برای رشد و پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، جایگاهی است بسیار مهم و سرنوشت ساز. درست همان گونه که توسعه و آبادانی جایگاهی است بنیادی و اساسی، اما هریک از این دو منبع اقتصادی و عبادی در جامعه اسلامی جایگاه خود را دارند و براساس مصلحت ها و منفعت هایی در مواردی واجب و در مواردی مستحب هستند. (حسامی عزیزی و یعقوبیان، ۱۳۹۵)

قرآن کریم در مورد خمس می فرماید: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ؛ بدانید هرگونه غنیمتی به دست آورید، خمس آن برای خدا و برای پیامبر و برای ذی القربی و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه (از آنها) است». (انفال: ۴۱) قرآن در مورد زکات می فرماید: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ و نماز را برپا دارید و زکات را ادا کنید و هر کار خیری را برای خود از پیش می فرستید آن را نزد خدا (در سرای دیگر) خواهید یافت. خداوند به اعمال شما بیناست» (بقره: ۱۱۰). در این آیه بعد از برپایی نماز به ادای زکات، یک مؤلفه رفتاری در عرصه پرداخت های واجب اشاره شده است.

۳-۱۱-۲. تلاش برای به دست آوردن برتری در عرصه اقتصادی

یکی از ارزش ها در سبک زندگی اقتصادی رسیدن به خودکفایی و استقلال اقتصادی افراد و جامعه است. قرآن جامعه اسلامی را از ذلت و وابستگی به دشمنان بازداشته و می فرماید: «منافقان همان ها هستند که پیوسته انتظار می کشند و مراقب شما هستند اگر فتح و پیروزی نصیب شما گردد، می گویند: مگر ما با شما نبودیم. (پس ما نیز در افتخارات و غنائم شریکیم) و

اگر بهره‌ای نصیب کافران گردد به آنان می‌گویید: مگر ما شما را به مبارزه و عدم تسلیم در برابر مؤمنان، تشویق نمی‌کردیم. (پس با شما شریک خواهیم بود). خداوند در روز رستاخیز، میان شما داوری می‌کند و خداوند هرگز کافران را بر مؤمنان تسلطی نداده است». (نساء: ۱۴۱)

براساس این آیه، خداوند برای کافران بر مؤمنین راه تسلطی قرار نداده است از جمله اینکه در عرصه اقتصادی نباید به کافران تکیه کرد. در آیه دیگر، استقلال و توانمندی جامعه اسلامی را از جمله در عرصه‌های اقتصادی توصیه کرده و ارزش می‌داند و می‌فرماید: «هر نیرویی در قدرت دارید برای مقابله با آنها [دشمنان]، آماده سازید و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد و هر چه در راه خدا (و تقویت بنیه دفاعی اسلام) انفاق کنید به طور کامل به شما بازگردانده می‌شود و به شما ستم نخواهد شد» (انفال: ۶۰).

براساس آیه فوق در سبک زندگی اقتصادی، انسان باید استقلال اقتصادی خود را به دست آورد و به این وسیله بر دشمنان خود غالب شده و از آنها برتر باشد. نظام اقتصادی اسلام تنها درصدد رفع نیازهای ضروری جامعه نیست، بلکه بر خورداری جامعه اسلامی از رفاه نسبی و استفاده از نعمت‌های بی‌شمار خداوند را مدنظر قرار داده است. چنان‌که می‌فرماید: «آیا ندیدید خداوند آنچه را در آسمان‌ها و زمین است مسخر شما کرده و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را به طور فراوان بر شما ارزانی داشته است، ولی بعضی از مردم بدون هیچ دانش و هدایت و کتاب روشنگری درباره خدا مجادله می‌کنند» (لقمان: ۲۰). براساس این آیه آنچه در آسمان‌ها و زمین است و تمام نعمت‌های ظاهری و باطنی خداوند برای تأمین نیاز و رفاه و آسایش انسان قرار داده شده است.

۳-۱۱-۳. استفاده مطلوب از نعمت‌های الهی

خداوند در آیات متعدد نعمت‌های خود را برشمرده و انسان‌ها را به استفاده از آنها تشویق می‌کند. در آیه شریفه از انسان‌ها خواسته شده است که برای رفع نیازهای خود از نعمت‌های

الهی استفاده کنند و آنها را بر خود حرام نکنند. خداوند می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید چیزهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده است، حرام نکنید و از حد، تجاوز ننمایید؛ زیرا خداوند متجاوزان را دوست نمی‌دارد» (مائده: ۸۷). براساس این آیه، استفاده از نعمت‌های خداوند امری مطلوب بوده و توصیه شده است. نعمت‌های الهی انواع بسیار متعددی دارد که غیر قابل شمارش هستند؛ زیرا خداوند در قرآن می‌فرماید: «و اگر نعمت‌های خدا را بشمارید، هرگز نمی‌توانید آنها را احصا کنید. خداوند بخشنده و مهربان است» (نحل: ۱۸).

۳-۱۱-۴. مهلت دادن به بدهکار ناتوان

یکی دیگر از ارزش‌هایی که در قرآن در عرصه سبک زندگی اقتصادی مطرح بوده و به صورت یک ارزش به آن توصیه می‌شود مهلت دادن به بدهکار ناتوان است چنانچه در آیه شریفه می‌فرماید: «و اگر (بدهکار)، قدرت پرداخت نداشته باشد او را تا هنگام توانایی مهلت دهید (و در صورتی که به راستی قدرت پرداخت را ندارد) برای خدا به او ببخشید بهتر است اگر (منافع این کار را) بدانید». (بقره: ۲۸۰) امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «امام صادق علیه السلام خداوند مهلت دادن به مقروض تنگدست را دوست دارد و کسی که به فرد تنگدستی قرضی داده و او آن مال را در راه طاعت خداوند خرج کرده باید تا زمان توانگری بدهکار به او فرصت دهد و چنانچه بدهکار آن مال را در راه معصیت خداوند صرف کرده است دیگر مهلت دادن به او تا آنکه پس دادن قرض برایش آسان شود برعهده طلبکار نیست و آن بدهکار مشمول این آیه که خداوند عزوجل فرمود: «فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ» (بقره: ۲۸۰) نیست.

۳-۱۱-۵. پرداختن به امور عبادی در فعالیت‌های اقتصادی

یکی از ارزش‌های اخلاقی و عبادی در عرصه فعالیت‌های اقتصادی، جایگاه امور عبادی و اقتصادی نسبت به یکدیگر است. در آیاتی از قرآن، اولویت دادن امور عبادی مانند ادای نماز در هنگام ادای آن بر تجارت و امور اقتصادی توصیه شده است چنانکه در آیه شریفه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر

می‌دانستید» (جمعه: ۹). براساس این آیه شتافتن به سوی نماز و رها کردن خرید و فروش و امور اقتصادی توصیه شده است و یک فعل اقتصادی در سبک زندگی اقتصادی باید امور عبادی را در اولویت قرار دهد. همچنین آیه شریفه کسانی که مجلس سخنرانی پیغمبر ﷺ را ترک کردند و به سمت تجارت و فعلیت اقتصادی شتافتند را شماتت کرده و می‌فرماید: «هنگامی که آنها تجارت یا سرگرمی و لهوی را ببینند پراکنده می‌شوند و به سوی آن می‌روند و تو را ایستاده به حال خود رها می‌کنند. بگو: آنچه نزد خداست بهتر از لهو و تجارت است و خداوند بهترین روزی دهندگان است» (جمعه: ۱۱).

براساس این آیه، درک مجلس پیغمبر ﷺ بر فعالیت اقتصادی برتری داده شده است. در آیه دیگر، توجه به معنویات در قالب یاد خدا و معاد و توجه به نماز در ضمن تجارت و معامله‌ها و امور اقتصادی توصیه شده است چنان که می‌فرماید: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ؛ مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروختی از یاد خدا و نمازگزاردن و زکات دادن بازشان ندارد از روزی که دل‌ها و دیدگان دگرگون می‌شوند، هراسانند» (نور: ۳۷). براساس این آیه انسان باید باوجود فعالیت‌های اقتصادی توجه به معنویات را در اولویت قرار دهد. مؤمن باید همواره برای کارهای اقتصادی و امور عبادی خود زمان ویژه‌ای داشته باشد و از هیچ یک غافل نشود؛ زیرا این دو یکدیگر را کامل می‌کنند و نقص در هریک، دیگری را نیز ناقص می‌کند. کسی که در اثر بی‌برنامگی و بی‌نظمی به فقر مبتلا شده است بدون شک به دلیل مشغولیت فکری نمی‌تواند برنامه عبادی مناسبی را اجرا کند.

۴. نتیجه‌گیری

هر فردی برای داشتن سبک زندگی اقتصادی مطلوب اسلامی باید ملتزم به اعتقاداتی در این راستا باشد. براساس این شناخت و اعتقاد، فعالیت‌های اقتصادی، سمت و سوی صحیحی خواهند داشت. مؤلفه توحیدمحوری و یا همان خداباوری باعث می‌شود که فرد، خدا را در رأس امور بداند و به اینکه هدف خلقت انسان، رسیدن به کمال است و خداوند متعال اسباب و

شرایط رسیدن به آن را برای همه فراهم کرده است، اعتقاد داشته باشد. کسب رضایت خداوند در فعالیت‌های اقتصادی، باعث بارور شدن امور می‌شود. خداوند متعال داشتن اموال و اولاد فراوان را ملاک ارزش‌مندی پیش خود ندانسته و آنها را عامل بی‌نیازی و سعادت انسان‌ها نمی‌داند. اعتقاد به رزاقیت خداوند در سبک زندگی اقتصادی انسان از عوامل تأثیرگذار است، البته با تأکید بر اینکه ضمانت الهی دلیلی بر عدم تلاش و سخت‌کوشی فرد نیست. براساس مؤلفه معادباوری امکانات اقتصادی، اولاد و همه زینت‌های دنیا باید مقدمه‌ای برای کسب باقیات الصالحات باشد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم. مترجم: مکارم شیرازی، ناصر.
۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین‌الدین (۱۴۰۳). عوالی اللثالی. قم: مؤسسه سید الشهداء.
 ۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). غرالحکم. قم: نشر دارالکتب الاسلامی.
 ۳. توکلی، محمدجواد، و ایزانلو، امید (۱۳۹۵). تحلیل کارکردی سبک زندگی اقتصادی مطلوب در اسلام. نشریه سبک زندگی، شماره ۲، ۴۷-۷۰.
 ۴. حرعاملی، محمد (۱۳۷۱). وسائل الشیعه. لبنان: آل‌البیت.
 ۵. حسامی عزیزبی، باقر، و یعقوبیان، اسماعیل (۱۳۹۵). خمس و زکات و جایگاه آن در اقتصاد کشورهای اسلامی. نشریه تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۲، ۱۲۳-۱۴۶.
 ۶. سالاری، اسلام (۱۳۹۱). تربیت از دیدگاه نهج‌البلاغه. تهران: انتشارات راه‌کمال.
 ۷. شریف‌الرضی، محمدبن حسین (۱۴۱۴). نهج‌البلاغه. تصحیح صبحی صالح. قم: هجرت.
 ۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
 ۹. فولادی، محمد، و خاری‌آرانی، سمیه (۱۳۹۴). بازکاوی عوامل توسعه رزق در اسلام. نشریه معرفت، شماره ۲۱۲، ۴۱-۵۶.
 ۱۰. کرمی، محمدمهدی، و پورمند، محمد (۱۳۹۸). مبانی فقهی اسلامی. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۱۱. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۷۵). ترجمه اصول کافی. قم: انتشارات اسوه.
 ۱۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: داراحیاء تراث العربی.
 ۱۳. محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۸۲). توسعه اقتصادی بر پایه قرآن و حدیث. قم: دارالحدیث.
 ۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). اخلاق در قرآن. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
 ۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۶). انسان‌شناسی در قرآن. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
 ۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی. تهران: نشر صدرا.
 ۱۷. معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ فارسی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب السلامیه.
۱۹. موسوی اصفهانی، جمال‌الدین (۱۳۶۸). پیام‌های اقتصادی قرآن. قم: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۰. مهدوی‌کنی، محمدسعید (۱۳۸۷). مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی. نشریه تحقیقات فرهنگی، شماره ۱، ۲۳۰-۱۹۹.
۲۱. هادوی‌نیا، علی‌اصغر (۱۳۸۶). جایگاه اقتصادی سنت رزق. نشریه اقتصاد اسلامی، شماره ۲۸، ۱۳-۳۱.